

بقیه از صفحه اول

نظری بر "نامه اقلیت"

حاضرید در این بازی سیاسی شرکت نمائید.

درواقع ماهیت اختلافاتی که بر سر نحوه بحث و غیره مابین این نیروها پیش آمده و منجر به بیرون رفتن عده ای از آنها شد را باید در تفاد مابین جریانهای مختلف امپریالیستی جستجو نمود که جریک کوشش میکنند تا مواضع کلییدی در قدرت دولتی را بدست گرفته و آنرا در جهت منافع خویش بکار گیرند.

شرکت نیروهای سیاسی، چون اکثریت، توده، با توجه به ماهیت واقعی و مواضع سیاسی شان، در این است که از حداقل امکانات سیاسی برای بقا و فعالیت های سیاسی بهره مند شده و بدین ترتیب لازمه آن جمع شدن بگرد این جناح هاست.

همراه با این نمایش تلویزیونی، آن گروههایی که از مبارزه سیاسی و فعالیت سیاسی، جسز زدوبند و دلال بازی نیز دیگری نمی فهمند و به "ناحق" از جانب رژیم بعنوان گروههای سیاسی خطرناک شناخته شده اند، ناگهان جای خود را در این برنامه مضحک خالی میکنند. مشاهده میکنند، خائضین اکثریت و توده، چگونه از این امکان تبلیغاتی، استفاده میکنند، نظراتشان را بمیسان مردم برده، وسیما" خود را مطرح می سازند.

از جمله این نیروها باید از "اقلیت" نام برد. "اقلیت" با دیدن برنامه تلویزیونی، احساس کرد که شرش بیگلا مانده است. "اقلیت" از مبارزه سیاسی کمونیستی، زدوبندهای سیاسی را میفهمد همین دلیل است که با دیدن برنامه تلویزیونی از خود میبرد، چرا ما نیز در این بازی سیاسی شرکت نکنیم؟ و از آنجائیکه میخواهد "انقلابی" باشد و بطور انقلابی با مسائل برخورد کند، پس بایستی راههای انقلابی پیدا کند، تا توده ها و نیروهای انقلابی، سرداشت غلطی از حرکت او نکنند. اگر قرار است در اینچنین برنامه های تلویزیونی شرکت کند، طوری نباشد که بعداً بگویند مشکل "اکثریت" شده است. بنابراین نامه بلندبالائی برای مجلس ضد خلقی شورای اسلامی مینویسد و در آن هم به نعل میزند و هم به میخ. به توده ها می گوید که مدافع شما هستم، حرف شما را میزنم، از منافع شما دفاع میکنم، بنابراین در صفا انقلاب قرار دارم و به رژیم نیز میفهماند کسسه مخالفتی با تو ندارم حاکمیت تو را میپذیرم و سعی میکند با او بند و اندرز دهد (همان کاری را که اپورتونیستها در همه جهان میکنند) که بصلاح تو است، فلان کار را نکنی، زیرا برای حاکمیت تو خطراتی پیش می آورد و در پایان بنامد، نسبت واقعی خود را بیان میدارد. او از رژیم میخواهد که حاضر است در یک نمایش تلویزیونی این مسائل را با مردم در میان گذارد.

"اقلیت" مثل آن کبک مغرور می ماند که سرش را زیر برف کرده و تصور میکند کسی او را نمی بیند. استدلال "اقلیت" مبتنی بر درستی عمل او، بایستی بر این پایه استوار باشد، که ایمن نامه را برای مجلس می نویسد. نظراتش را بهرامون مسائل مختلف بیان میدارد و از آنها میخواهد "با توجه به اوضاع سیاسی کنونی و شرایط فوق العاده حساس جامعه باار دیگر نتایج و عواقب ناشی از تصویب چنین لایحه ای را به نمایندگان مجلس گوشزد کرده و آماده است تا با شرکت در یک مناظره و بحث رادیو تلویزیونی که بدون مانور بخش میگردد، حقایق را هرچه بیشتر با توده ها در میان گذارده و مواضع خود را توضیح دهد و از رادیو تلویزیون میخواهد که زمینه را برای برگزاری این بحث و مناظره فراهم کند". حال چنانچه موفق نشد تا رژیم را وادارد تا باین خواسته پاسخ مثبت دهد، اشکالی ندارد، زیرا خواهد گفت ما حرفمان را زدیم، نظراتمان را در نشریه سات و اعلامیه ها بیان داشتیم و نشان دادیم که رژیم علیرغم ادعایش برخورد غیردمکراتیک میکند. و اگر موفق شدیم، چه بهتر، میتوانیم از این وسیله تبلیغاتی در یک مقیاس وسیعی، استفاده کنیم.

در نزد مارکسیستها، وسیله هدف را توجیه نمی کند بلکه برای تحقق اهداف انقلابی و مابسیل انقلابی نیازمند است. این الفیای مارکسیسم - لنینیسم است. اما "اقلیت" اینرا نمیفهمد، زیرا بین پذیرش لفظی مارکسیسم، تا کاربرد عملی آن یک شکاف عمیق وجود دارد و نیروی قادر است این شکاف را پر کند که دارای مواضع انقلابی، شهادت انقلابی، پیگیری و آگاهی باشد. به نیروی عظیم و تاریخ ساز توده ها ایمان داشته باشد.

براستی "اقلیت" از بکارگیری این وسائل و شیوه های "مبارزه سیاسی" چه اهدافی را تعقیب می نماید، برای اینکه بتوانیم به ماهیت سبک کار "اقلیت" پی ببریم، خوب است اشاردهای سکه برداشتهای "اقلیت" و نیروهای سیاسی اپورتونیست دیگر، از کار سیاسی و مبارزه سیاسی

بنمائیم.

ایورنونیستیایی همچون "اقلیت" که خود را مارکسیست نیز می نامند. مبارزه سیاسی را بسا محتوای بورژوازی آن می بینند. مسئله اساسی آنها این است که در مبنای سیاسی جامعه چگونه بتوانند جایی برای خود در صحنه سیاسی باز کنند، چگونه بتوانند موقعیت سیاسی بهتری کسب کنند و برای تحقق آن از هر وسیله‌ای که در دسترس آنها قرار گیرد، استفاده میکنند. زمانی با تزلزل سروری سیاسی وارد مذاکره میشوند. زمانی دیگر بر علیه آن حربه میگیرند. زمانی دست در دست بورژوازی بد سرکوب و فریب نموده‌ها می بردازند. زمانی دیگر که منافع شان اسباب میکند. تمام نوده‌ها با حاکمیت جنگ "لفظی" مسیردارند. و بدینها چیزی که فکر نمیکنند این مسئله اساسی است: چگونه باید قدرت دولتی بورژوازی را سرنگون ساخت. چگونه باید نوده‌های وسیع مردم را در یک پیرائیک انقلابی فعال نموده و آنها را تربیت کرد و متشکل گردانید؟

"اقلیت" از رشد و گسترش مبارزات نوده‌ای وحشت دارد. هر قدر مبارزه، اقدامات رادیکالتری را طلب میکند، بیجان اندازه "اقلیت" ماهیت واقعی خود را آشکارتر می سازد. برای "اقلیت" میدان اصلی مبارزه، طبقاتی، نه بر اساس گروه، یعنی خود این مبارزه، بلکه با تعاملات عملی او (که انعکاس منافع یک سروری طبقاتی غیرپرولتری خواهد بود) تعیین می‌گردد. برای او آن عرصه‌ای میدان اصلی نبرد طبقاتی است که ساده‌تر و کم‌خطرتر باشد. نوده‌ها حضور نداشته باشد تا بدون حضور نوده‌ها و تمام نوده‌ها به زدو بندهای سیاسی بپردازد.

حضور او در میدان های حاد مبارزات طبقاتی همیشه خالی است و اگر هم سرکوب‌های بی‌سود، سرکوب‌های استعدادهای در این است که آنها به سازش یا کسب‌بگتاند. با مسئله انقلاب و مبارزه انقلابی، از این زاویه برخورد نمی کند که گروه، مبارزه، انقلابی اکسون در چه مرحله‌ای از رشد خود قرار دارد، چه مسائل عملی و نظری برای این جنبش مطرح است و باید در دستور کار انقلابیون قرار بگیرد، نیروهای متحد پرولتاریا چه کسانی هستند و چگونه باید آنها را حصول طقه، به‌سانک متشکل ساخت. چه نیروهایی باید در این مرحله از مبارزه از بین بروند، و دشمن اصلی را چگونه باید نابود ساخت. چگونه و با چه اشکالی از سازمان و عمل انقلابی و در تحت چه شعارهایی باید اقدام نمود....

ایورنونیستیایی نظیر "اقلیت"، از منحی کردن میدان واقعی مبارزه، طبقاتی، از شرکت در درگیری های حاد مبارزات طبقاتی. از گسترش دامنه مبارزات نوده‌ای وحشت دارند، در حالی که کمونیستهای واقعی، همیشه مسئله شان است که چگونه باید دامنه و ابعاد مبارزات را گسترش داد چگونه باید برانکس و نیروی انقلابی را تعمیق بخشند. چگونه روحیه، فداکاری، ایثار، از حدود گذشتگی، مقاومت را در میان نوده‌ها تبلیغ و ترویج نمود و آنها را با این روحیه پرورش داد. چگونه دامنه، سطح، دشمن را محدود کرده و او را سرنگون ساخت. چگونه امکانات و وسائل مبارزه، طبقاتی را توسعه داد و....

همه اینها برای ایورنونیستیها بیگانه هستند. آنها حتی جرات فکر کردن راجع به این مسائل را ندارند. "اقلیت" برای آنکه نیت واقعی او آشکار نشود، دوبلهو محبت میکند. مفاهیمی بکار میگیرد که میتواند جنبه شوخ نمیر و تفسیر شود. هر جا ر با توجه به شرایط، آن محتوای خاصی می بخند. او سعی میکند، صریح محبت نکند. و یک راه فرار برای خود باقی می‌گذارد. به نظر او، باید همالکی های "اقلیت" پیراز خواندن نامه، اینطور استدلال کند، گرایش است راست، کوشش در مقابل حاکمیت، در "اقلیت" ظاهر نده است. اما ما که "اقلیت" را می‌ناسم، حرکت "اقلیت" را بیثابه، تظاهر آشکار ماهیت سازشکارانه و ایورنونیستی او در نظر میگیریم که "اقلیت" کوشش می کند آنها را پنهان بدارد اما روند عینی مبارزات خلق، بتدریج "اقلیت" را وامیدارد تا ماهیت واقعی خویش را برملا سازد. "اقلیت" زمانی مدعی بود که بصلاح مبارزه، خلق و حاکمیت سوسیالیستی نبود که سراز این در حاکمیتی "کمیته"، مرکزی ایورنونیستی باقی ماند، مسئولیت مبارزاتی حکم نکرد که مستقل و جدا از آن فعالیت سیاسی بپردازد. در آزمون بسیاری از گروهها (از موضع ایورنونیستی) از این عمل "اقلیت" استقبال کردند و باو تبریک گفتند. امروز مشاهده میکنیم که "اقلیت" نیز همان راهی را میروند که "اکثریت" تزلزل رفته بود.

هر چه زمان می گذرد، مبارزات مداوم رادیکالیستی خلق های سراسر میهنمان خواهان اقدامات رادیکال و انقلابی بر علیه حاکمیت و استبداد امپریالیسم است، و از آنجائیکه در جامعه ما

★ کردستان ★

سندج

کردستان قهرمان در آتش انقلاب می‌سوزد. کردستان قهرمان هر روز محنه جنایت‌های وحشیانه رژیم عدل‌خیزی است هر روز کردستان حماسه‌ای است و توده‌های غیور کرد همچنان آتشین و کوینده بر علیه رژیم سرسپرده می‌جنگند و پوزه، این فریبکاران را بخاک می‌مالند. ارتجاج همچون مار زخمی از هر فرصت کوچک استفاده می‌کند تا زهر خود را بریزد و تلافی کند، اما بازم با مقاومت سرخسازانه مردم مواجه می‌گردد. آری خلق کرد مقاومت می‌کند.

نیروهای سرکوبگر رژیم در دومین یورش سراسری وسیع خود با مقاومت دل‌آوران، خلق روسرو گردیدند که همچنان ادامه دارد. رژیم در شرایط کنونی تنها توانسته است نیروهای خود را در شهرهای کردستان مستقر ساخته و عملاً نتوانسته به مناطق روستایی نفوذ زیادی بنماید.

در جریان دومین سرکوب و تهاجم وحشیانه رژیم که از اوائل فروردین ماه ۵۹ شروع شد، همه شهرهای کردستان دست به مقاومت دلیرانه زدند. رژیم برای آنکه بتواند مقاومت پیشمرگان قهرمان خلق را که از حمایت وسیع و فعال توده‌های مردم برخوردار بودند و خودشان نیز در این مقاومت شرکت داشتند، درهم بشکند، بطرز جنون آمیزی شهرها را به توپ و خمپاره و راکت بست. در این بمباران‌ها، دهها نفر از مردم زحمتکش شهادت رسیدند. با این وجود، اکثر شهرها بیش از ۲۰ روز مقاومت نمودند و مدها نفر از نیروهای رژیم را کشتند.

بعد از آنکه رژیم در شهرها مستقر گردید، عملاً هیچگاه نتوانست کنترل آنها در دست داشته باشد. رژیم زیر ضربات نظامی پیشمرگان است، توده‌های شهری بهر شیوه‌ای دست به اعتراض می‌زنند. در میان فعالیت‌های شهری، جنبش دانش‌آموزان بسیار چشمگیر است. و تا آن حد که رژیم تصمیم گرفت مدت‌سال تحصیلی را از ۹ ماه به ۴ ماه تقلیل دهد و حجم دروس را نیز فشرده نماید.

در مورخه ۶۰/۱/۱۷ دانش‌آموزان انقلابی دبیرستان شاپور سابق بمنظور تعویق امتحانات و باز شدن کلاسها بنا به دلایلی که در بالا ذکر شد در دبیرستان اجتماع کرده و به خواندن سرود و دادن شعار پرداختند و از رفتن به کلاس خودداری نمودند.

اهمیت این بویژه در اعتلای جنبش دانش‌آموزی سندج از زمان اشغال شهر توسط مزدوران و افشا، ماهیت کثیف "توده‌ایها" و "اکثریتها" بود. "توده‌ایها" و "اکثریتها" به انواع و اقسام حیلها سعی در بشکست رساندن حرکت نمودند و دست‌آمر اعلام کردند که این حرکت کار "بختیاری‌ها" است و فقط "ساواکیها" از شرکت در امتحانات خودداری می‌کنند. مدیر دبیرستان به نام قعدی که از رویرو شدن با دانش‌آموزان می‌هراسید، معلمین را جلو می‌فرستاد که بگویند آنها به کلاس بیایند. شعارهایی که دانش‌آموزان انقلابی می‌دادند عبارت بود از: "هرسزی جوشنی مقاومتی خالکی کورد" یعنی (پهروز باد جنبش مقاومت خلق کرد)، "بزی هیزی کریکار - با بروخاستعمار" یعنی (زنده باد کارگر - نابود باد استعمار) و "... سرمایه‌داری وابسته هرشتابریکار به‌دهسته" یعنی (سرمایه‌داری وابسته هنوز با براجاست) و اتحاد اتحاد - محلل اتحاد و... می‌دادند.

۶۰/۱/۲۲ - در این روز دانش‌آموزان جلوی دفتر نشستند و بدادن شعار و سرود خواندن پرداختند و اعلام نمودند که تا سلیمانی (رئیس آموزش و پرورش سندج) نیاید، تحصیلات ادامه ندارد. پس از نیم ساعت یکی از مسئولین تهران پس از مطلع شدن از جریان عنوان نمود "خواست شما منطقی است و من می‌روم تا خواسته را با سلیمانی در میان بگذارم". قعدی مزدور از سپاه مزدوران کمک می‌گیرد و پس از ۲۰ دقیقه ۲۰۰ الی ۳۰۰ پاسدار مسلح دبیرستان را محاصره کردند و گفتند که اگر تا ۵ دقیقه دیگر بیرون نروید همه شما را به سپاه می‌بریم" ولی دانش‌آموزان با دادن شعار خواسته آنان را رد کردند. مجدداً ۳ - بدستان از سپاه مزدوران کمک طلبیدند و پس از نیم ساعت

هر روزی خه بانئی چه کدارانه که ته دنیا ریگای گه یشتن به رزگاریه!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

بالاخره چپره، کتشف خود را آشکارا بنمایش گذاردند و وحشیانه با چوب و چماق و ساطوسوم و اسلحه‌هایشان بجان دانش‌آموزان افتادند و عده‌ای را نیز دستگیر کرده و همراه بردند و بدینسان دانش‌آموزان با شعار "مرگ بر آمریکا" "مرگ بر ارتجاع" متفرق شدند.

۶۰/۱/۲۳ - مادران و واستگان محصلین محل ساواک سابق که اکنون نیز نرندانشان را زندانی کرده بودند، مراجع نمودند که بی‌سجده ماند.

۶۰/۱/۲۴ - اینبار مادران و خانواده‌ها به همراه دانش‌آموزان جلوی دبیرستان تحصن کرده و خواستار آزادی دستگیرشدگان گشتند. رئیس دبیرستان و پاسداران منافع آنها، وعده آزادی برآوردند ولی نتوانستند کسی آزاد نشد بلکه تعدادی هم مجدداً دستگیر شدند و معترضین را هم با تیر هوایی متفرق کردند.

پاسداران مزدور در روزهای بعد نیز مانع ورود مادران محصلین زندانی به دبیرستان شدند. هنرستان صنعتی سنندج - بدنبال اجراج ۱۰ نفر از هنرجویان مبارز سال اول ساختمان گد سا اعتراض سایر هنرجویان مواجه شده بود، معاون هنرستان بدکلائی رفته و به آنان خواهش می‌کنند، هنرجویان شروع به اعتراض می‌کنند و بالاخره منجر به درگیری میان هنرجویان و معاون هنرستان می‌گردد.

۶۰/۱/۲۴ - هنرجویان به حیاظ آمده و شروع به خواندن سرود و شعارهای انقلابی کردند و بدین وسیله از دانش‌آموزان زندانی دبیرستان شاهپور و شاگردان اجراجی حمایت نمودند.

۶۰/۱/۲۵ - در این روز یکی از هنرجویان سال سوم را اجراج کردند. بدنبال آن وی جهت اعتراض به اطاق مدیر هنرستان رفت و موضوع اجراج را طرح کرد و بجای جواب با نوهین های مکرر مواجه گردید و هنگامی که دست به اعتراض می‌زند، مدیر به او حمله می‌کند و هنرجو جهت دفاع یک زیرسکاری را بطرف او پرتاب میکند و مدیر بلافاصله با یک چاقوی ماس دار بسوی او حمله‌ور می‌شود که معاونین جلوی او را می‌گیرند.

سنندج ★

در تاریخ یکشنبه ۳ فروردین عده‌ای از رفقای مبارز در خانواده، یکی از شهدا واقع در یکی از محله‌های شهر کرد آمدند تا خاطره، تابناک شهیدان جنبش مقاومت و شهید کاکایی را گرامسی بدارند. این مراسم درحالی برگزار شد که شهر قهرمان سنندج در زیر حلقان و فشار عظیم فسرار دارد. پاسداران و ارتش ضد خلقی بعد از حاکمیت سنگین خود بر شهر سنندج یک سال تمام است که با کوچکترین بهانه‌ای هرگونه حرکتی را شدت برکوب می‌کنند. پاسداران ضد خلقی هرروز کوشه‌ای از شهر، خیابانها و خانه‌های مسکونی را بعنوان پاکسازی بازدید می‌کنند. اکنون زندانهای پادگان و شهرستانی مملو از زندانیان سیاسی است. شبها جاش‌های مزدور برای ایجاد رعب و وحشت از مقرهای خویش مبادرت به تیراندازی می‌کنند. آنان که شبها از وحشت حمله، پیشمرگان لحظه‌های آرامش ندارند در روز به ادبیت و آزار مردم می‌پردازند.

بهرحال فضای شهر سنندج آکنده از اختناق شدیدی است. اما دشمن بخیال خام خود می‌خواهد که از این طریق جنبش مقاومت را به زانو درآورد. غافل از آن است که جنبش امروز در خون و رک تمامی زحمتکشان خلق کرد می‌جوشد. در این فضای اختناق آمیز بود که رفقای ما برای تقویت روحیه، خانواده، شهدا و همچنین بیمان با خون سرخشان این مراسم را در زیر سرنیزه‌های پاسداران امیر-بالیم به اجرا درآوردند. را، ۳ ساعت بعد از ظهر رفقای مبارز در خانه، این شهید خلق کرد آمدند در آغاز مراسم یکی از رفقا با سخنرانی کوتاهی بعد از تشریح فضای اختناق آمیز و شرایط حساس به تشریح اهداف تشکیل این برنامه پرداخت و اینچنین توضیح داد: شهر قهرمان در مدت مبارزه، طولانی خود راهی بس پرپیچ و خم گذرانده است. از فراز و نشیب‌های بزرگی گذشته. خلق ما در راه مبارزه، خود برای رهائی، دوستان و دشمنان خود را بیشتر شناخته است. سرکوب وحشیانه، رژیم هرگز حتی یک‌دوره در اراده، استوار خلقمان در راه رهائی تزلزلی ایجاد نمی‌کند. ما امروز کرد هم آمدیم تا ما گرامیداشت خاطره، نمایی شهدای جنبش مقاومت و درس‌گیری و تجربه‌اندوزی از راهشان بگویند یاد کنیم که راهشان را استوارتر از آنان و پرچم سرخ رهائی همچون آنان به دوش بکشیم و سنگرهایشان را خالی نکنیم.

هدف ما از تشکیل این برنامه، ایجاد روحیه، مقاومت در میان رفقای مبارز و همچنین آشنائی

همه، ما با مسائل جنبش خلق کرد و درک مسائل و حوادث ایران است.

بعد از سخنرانی کوتاه رفیق ، با بخش نوار دکتر شوآن و سرود "شهرتیب" برنامه آغاز شد . سپس مقاله‌ای توسط یکی از رفقا در باره "جنش مقاومت و همچنین زندگینامه رفیق شهید خوانسده شد در قسمتی از مقاله آمده است : اکنون دو سال است که کردستان انقلابی در زیر شدیدترین فشارهای نظامی - اقتصادی و سیاسی ، مبارزه توده‌ای و پرتوان خود را به پیش می‌برد . اکنون دو سال است که دستگاه‌های نسل‌فاتی رژیم وسیعترین و پرمه‌مندترین نسل‌فاتی زهرآکین خود را علیه خلق کرد بکار بسته است . دو سال خلق کرد آماج حمله‌های هوایی ، بمباران روستاهای بی‌دفاع به نوب‌بستن مناطق مکونی در شهرها ، قتل عام‌های دهشتناک روستای قارنا ، صوفیان ، ایندرفاشه ، قلستان قرار گرفته است . اما خلق کرد همچنان پایدار و استوار در سنگر مقاومت به رزم سرخ خود ادامه می‌دهد . رژیم تمام توان خود را بکار بسته است تا از هر طریقی که ممکن است مسئله کردستان را با نامهای صدام‌نقلاب ، وابسته به بعث و آمریکائی وارونه جلوه دهد تا شاید بتواند خورشید حقیقت را برای مدتی کوتاه در پس‌ایرهای عوام‌فریبی نگه دارد اما در درازمدت ، آتش حقیقت کماخ بستم دشمنان خلق را خواهد سوزاند .

سپس رفیق در اشاره به جنش مقاومت گفت : اولین نطفه جنش در شهر سبز با مقاومت دلیرانه مردم در مقابل ارتش بسته شد . و از آن لحظه تا بدامروز جنش مقاومت با سرخستی هرچه بیشتر در میان توده‌های روستائی و شهری کردستان بسط و توسعه یافته است و هر روز زحمتکشان بیشتر به صفوف پیشمرگان می‌پیوندند . دیگر رژیم امروز با سازمان یا گروه خاصی طرف نیست بلکه او با خلقی مسلح و متحد روبروست . خلق کرد در مدت دو سال مقاومت خود بهترین و دلیرترین فرزندان خود را از دست داده است . بسیاری از شهرها ویران شده است ، اما خلق کرد همچنان خستگی ناپذیر به مبارزه ادامه می‌دهد . رفیق در اشاره به زندگینامه شهید چنین گفت : او در یک خانواده زحمتکش چشم جهان گشود و از همان اوائل کودکی فقر و استعمار طبقاتی را با گوشت و پوست خود احساس کرد . او به علت فقر مادی نتوانست به تحصیل ادامه دهد و یک کارگر زحمتکش شد . او در ایام جوانی با تلاش بسیار آگاهی خود را ارتقا می‌داد . او قلبی سرشار از عشق و محبت نسبت به زحمتکشان و آتش‌کینه‌ای بی‌شمیق و بزرگ به دشمنان خلق داشت .

در هنگام اوج گیری مبارزات خلق‌های ایران علیه رژیم شاه این رفیق کارگر در سازماندهی تظاهرات ، تحصن‌ها و میتینگ‌ها نقش ارزنده‌ای داشت . بعد از به انحراف کشیدن قیام ۲۲ بهمن توسط حاکمان جدید و ادامه طغنه امپریالیسم ، کردستان سنگری علیه حاکمیت امپریالیستی شد . رفیق کارگر در دور اول جنش مقاومت با رفقای خود در سازماندهی جنش دانش‌آموزی در شهر سنندج و براه انداختن تظاهرات نقش بسزائی داشت . او همواره در تلافی خستگی ناپذیر پیشمرگان در گوه یاری میداد ، تا اینکه پیشمرگان پیروز به شهرها برگشتند و او به صفوف پیشمرگان پیوست و در یکی از بنکدهای شهر به فعالیت پرداخت . رفیق شهید شب و روز با رنج بسیار به دوستان خود آگاهی سیاسی میداد او بسیار ساده و بی‌پیرایه بود و بزرگترین خلعت یک انقلابی که صداقت است در وجود او تبلور داشت . او همیشه صادق بود و بد دوستانش صداقت را می‌آموخت . این رفیق کارگر در آموزش رزمی فعالان دوستانش را یاری می‌نمود . او بد رفقای خود آموخت که چگونه با کینه‌ای عظیم در برابر دشمنان طبقه کارگر استادگی کنیم . او بد رفقای خود آموخت که در راه مبارزه باید خستگی ناپذیر بود . در بهار سال ۵۹ ارتش و پاسداران یورش وحشیانه خود را علیه خلق کرد آغاز کردند و شهر سنندج بار دیگر مورد حمله قرار گرفت و مردم به کمک پیشمرگان هر خیابان و کوچه‌ای را سنگر ساختند تا مقاومت کنند . بعدت ۲۵ روز شهر سنندج زیر آماج شدیدترین حمله‌های هوایی و زمینی بود . باران توپها و خمپاره‌ها بر سر شهر سنندج باریدن گرفت و رفیق کارگر ۲۵ روز در سنگر مقاومت جنگید و در یکی از درگیریها شهادت رسید . اما رفقای استوارتر سیکرش را پر کردند و تنگش را برداشتند و آتش‌کینه و خشم او را فروزانتر از او بر سر دشمن فرو ریختند .

در پایان رفیق با اشاره به نقش مبارزه مسلحانه و سازماندهی مسلح توده‌ها بعنوان تنها راه رهائی خلق از یوغ طغنه امپریالیسم برنامه را به پایان رساند .

زنده باد خلقی رزمنده کرده که برای آزادی مبارزه می‌کند

چرا مزدوران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی خانه‌های زحمتکشان را ویران میکنند؟

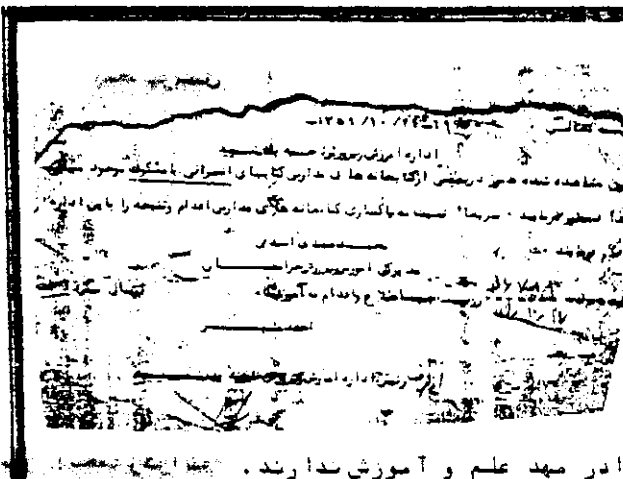
در مورخه ۶۰/۲/۲ مزدوران رژیم ضد خلقی (بنیاد مستضعفین) بدون استناد این جنایت خود را "فلا" اعلام کرده باشند. به خانه‌های زحمتکشان واقع در "محوآباد" حمله کرده و در حدود ۳۰ خانه از این خانه‌ها را که زحمتکشان با قرض و خون دل خود و با حداقل امکانات ساخته بودند، بر سرشان خراب میکنند و به زحمتکشان میگویند اگر اعتراض کنید حکم تیر داریم و در این میان وقتی مردم جمع میشوند با زور اسلحه و با تیراندازی به این سیاست امپریالیستی خود که همانا ادامه سیاست محمدرضا شاه جلاد میباشد، ادامه عمل پو شانند و هر چه بیشتر برای توده‌های زحمتکش بی محتوا بودن و بوج بودن تالیفاتهای ضد خلقی خود را عملاً اثبات نمودند غافل از اینکه مبارزات و مقاومت اوج یافته، توده‌ها این اجازه را به هیچ یک زنجیری امپریالیسم نداده و به اینها هم نخواهد داد و آرزوی سال "استقرار قانون امپریالیستی" را بوسیله سرکوب به بیروی از اجساد خون آشانان که خواهان "جزیره" ثبات برای امپریالیسم بودند، سکور خواهند برد. اما توده‌های زحمتکش در مقابل اعمال ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی میگفتند که رژیم از رادیو همیشه اعلام میکند که این آخرین پیام و آخرین قیام است ولی ما به رژیم میگوئیم قیام و پیام رهائی ما در جسر است.

توده‌های مبارز زحمتکش!

این رژیم بنا به ماهیت امپریالیستی‌اش نمیتواند جوابگوی خواسته‌های شما زحمتکشان باشد. و این نوکران امپریالیسم فقط با تیرنگ و سرکوب جواب خواسته‌های برحق شما را خواهند داد. زیرا آنچه که اینها در پی متحقق کردن آن هستند هدفهای نوم امپریالیسم است که این هدفها هم جز خانه خرابی و بدبختی و گرسنگی و شیره جیز دیگری بیار نخواهد آورد. شما فقط و فقط با مبارزه و مقاومت و تعرض انقلابی میتوانید این بقدرت رسیدگان را به عقب نشینی مجبور سازید. ولی ایسن مبارزه و مقاومت وقتی میتواند بنحوا احسن موثر واقع شوند که در ارتباط با مبارزه، ملحقانه باشد و زحمتکشان ایران تنها با عملی ساختن رهنمودهای پیشاهنگان واقعی‌شان یعنی "جریکهای فدائی خلق ایران" میتوانند بدین ظلم و اجافتها که زائیده روابط امپریالیستی است، خاتمه داده و در جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر به خواسته‌های برحق خود برسند.

سرگ سر سرکوبگران خلق
 زنده باد مبارزه ملحقانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!
 سرگ سر امپریالیسم و کجای زنجیربیشش
 برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر

هواداران "جریکهای فدائی خلق ایران" - تبریز - ۶۰/۲/۱۲



رژیم وابسته، جمهوری اسلامی ادعا میکند که ما آزادی میدیم و بحث آزاد و... برگزار میکنیم که توده‌ها خود آزادانه قضاوت کنند. اما از آنجائی که شیوه دیگری بعیر از دیکتاتوری در مرام اینان یافت نمی‌شود، ناچارند که افکار را هم سانسور کنند. حضرات فقط بدین علت حاضر به نشست و گفتگو با نیروهای خائنی جسون "اکثریت" و "حزب توده" هستند که آنها لب به "تعریف و تمجید" از حکومت فاشیستی گشوده‌اند. طبق سندی که در زیر آورده شده حضرات چشم دیدن کتابهای "انحرافی" و "مشکوک" را در مهد علم و آموزش ندارند.

سازمان حفاظت محیط زیست در خدمت چه کسی است؟

در حالیکه هر روزه مردم شور و زحمتش میمان زهر تازیانه، پیمان نذر و تنگدستی به دلایل کوناگونی از حذف سیکاری، اخراج و اخیراً جنگ خانمانسوز لکدکوب مینوسد و در حالیکه روستائیان زحمتکش میمان از عدم وجود بهداشت و درمان صحیح بدلیل اشاعه بیماری‌های کوناگونی از جمله، "وما"، "تب مالت" و... و عدم جلوگیری دولت حاشی منافع امپریالیسم از شیوع این بیماریها رنج میبرند و بارها و بارها از مراجع کل و غرضه درخواست رسیدگی نموده‌اند که هیچکدام راه به حاشی نبرده و در حالیکه تعداد سستا" زیادی از هموطنان زحمتکشمان با وجود نداشتن یک آلونک که سارا در آن سر رسانند و روز بدنار بدبختی‌های خود بیرونند به بیامانها پناه برده‌اند ولیکن همان چهار دیواری را نیز بر سرشان با سولدورر خراب کرده‌اند و بیم دکهداران نیز فراموش نشود که بخاطر سیکاری به این شغل بی‌ثبات روی آورده‌اند و هر روز می‌بایست با ژ ۳ بدستان حکومتی و جماعتداران حزبی قلندر و... بخاطر یک لقمه نان دست و پنجه نرم کنند و در حالیکه میادان بندر انزلی بخاطر عدم مید "قانونی" کلودماران می‌شوند و در حالیکه... سازمانی بنام "حفاظت محیط زیست" تدعیم کرده است و خود را حافظ "محیط زیست" قلمدار می‌کند اما اشتباه نکنید حفاظت در لفظ اینان بمعنی حفاظت "محیط زیست" از دسترس مردم فقیری است که هیچگونه منبسع درآمدی بخیراز استفاده از منابع طبیعی همچون دریاها، جنگلیها و... ندارند.

برای اینکه با این سازمان بیشتر آشنا شوید، اشاره میکنم به جلسه مورخ ۱۳۵۹/۸/۵ که بدعوت اداره کل حفاظت محیط زیست کیلان صورت گرفته بود و عنوان نمودند که "... از عمسسه مشکلات موجود این اداره کل وجود انواع توره‌های هوایی بوده که توسط متخلفین و مرتکبین شکار و صید در سطح تالاب انزلی و مزارع و عسره کار گذاشته می‌شود که این عمل صدمات و لطمات جبران ناپذیری بر جمعیت حیات وحش استان که از ذخائر قابل توجه محسوب می‌گردد وارد می‌سازد....." (مورخ جلسه ۱۳۵۹/۸/۵). برای خواندن حملات بالا این مطلب به خواننده القاء میشود که گویا ایشان برای "جمعیت حیات وحش" اهمیت فراوانی قائل بوده و مایل به "حفظ" آن می‌باشند اما در دنباله متن می‌خوانیم "... هر ساله طبق آگهی از طریق اداره کل طبق ضوابط سازمان متنوع با رعایت مقررات قانون شکار و صید آسندانیای مورد بحث از طریق مزایده با جاره واگذار می‌گردید و جوه حامله از درآمد اجاره آسندانیها که قابل توجه بوده، مستقیماً به حساب دولت واریز می‌شده...." بالاخره خودشان اعتراف کردند که مشکل اجاره بیجا است و روی همین اصل در دنباله آمده "... در حالیکه کلبه آسندانیها و سایر مناطق مخصوصاً سطح تالاب انزلی توسط عده‌ای بمساحت چندین کیلوس متر با توره‌های و سایر اسباب و ابزار غیرمجاز در اختیار گرفته شده و بهره‌برداری غیرمجاز می‌گردد". از نظر آقایان "بهره‌برداری غیر مجاز"، "لطمات جبران ناپذیری" به "جمعیت حیات وحش" وارد می‌سازد یعنی صیاد یا شکارچی فقیری که از روی ناچارى دست به شکار و مید می‌زند و قادر به برداختن اجاره آسندانیای قابل توجه نیست، صید یا شکار "غیرمجاز" می‌کند ولی آن سرمایه‌داری که برای تفریح و ساعتی صید به منطقه می‌آید صید "مجاز" می‌کند چرا که قادر به پرداخت اجاره بها می‌باشد و در اینجا تنها چیزی که مد نظر حضرات دلسوز "جمعیت حیات وحش" نیست، فقر و تنگدستی صیادان یا شکارچیان مذکور است و حق بهره‌برداری "مجاز" در ازای پرداخت تاج سیل میسر می‌گردد و در غیر اینصورت با صدور انواع و اقسام احکام فدمردمی از این "بهره‌برداری غیرمجاز" جلوگیری می‌نمایند. "... چنانچه عده‌ای از فرست طلبان در این برهه از زمان نتوانند خود را با انقلاب وفق دهند توسط پرسنل گارد محیط زیست و سایر ارگانهای اجرائی و انقلابی تحت پیگرد قسرار می‌گیرند" (جلسه، مورخه ۱۳۵۹/۸/۵) و کاملاً آگاهند که زحمتکشان در مقابل زورکونی هاشی کسه می‌کنند، ایستادگی خواهند کرد و برای سرکوسی آنان (زحمتکشان) از دولت کسب "اجازه" مینمایند و همانطور که خود می‌فرمایند "... و چون با کماری مناطق و شکارگاها از عناصر ضدانقلاب و جمع آوری اسباب و آلات تحلف آنها احتمالاً منجر بدرگیری شدید خواهد بود لذا در اینخصوص از مقامات استان تقاضای تشکیل جلسه، متشکلده را شموده و در اینخصوص از معاونت عمرانی استان کسب "نظر نمود". زهی سیرمی!

براستی انسان کیستند که خود را در سرمایه‌سازند و چه کسی حاکمیت را به این دردان بول و سرمایه‌برده‌های زحمتکش تفرس می‌شود. است. در امور فرور و صید ماهی نیز دست انداخته‌اند و کاملاً اعصارگروان ماسان را خم منبسع می‌دهند. در جلسه مورخه ۱۳۵۹/۱۲/۱۳ موجب

دعوت فرمانداری لاهیجان در شماره کنترل صید ماهی و جلوگیری از خروج ماهی از منطقه و نظارت بر نحوه فروش از ارگانهای سرکوبشتری مانند "ژاندارمری" و "شهربانی" و "سپاه پاسداران" سرزای همکاری دعوت نموده اند و دست به کنترل جاده ها زده اند. در این بین شللات را نیز فراموش نکرده و از امکانات آن سازمان نیز برای دستیابی منظور بلند خود بهره برداری کرده اند و حالت نوحه است که "شرکت تعاونی" هم با این واحد همکاری دارد و مبادان میبایست ماهیان میدخته را تحویل این شرکت داده و با محتاج خود را دریافت دارند. یعنی در آرای ماهی بولی نمی بردارند بلکه با کالا عوض می کنند در این بین هم ماهی کثیر اینبیا آمده و هم مشتری برای فروش کالاهای خود یافته اند.

روشن است که "سازمان حفاظت محیط زیست" از کانی است که با همکاری ارگانهای سرکوبگر و شرکتیهای تعاونی و شللات و... به چهارل مسافه زمینگشان برداخته و کنترل خرید و فروش ذخایر موجود در طبیعت را بزور دست خود گرفته اند و به حق باید آنان را سازمان حفاظت محیط زیست از دسترسی زمینگشان نامید.

از آنجائی که "سازمان حفاظت محیط زیست" یک ارگان سرزای است و همانند قارچ هر جا که جاندار، درختی، آب و غلغلی باشد، میروید. بد نیست سری هم به استان فارس بزنیم و از خدمات این سازمان در آنجا هم تحلیل بگیریم! در ماهنامه "اداره" کل حفاظت محیط... فارس "مورخه" شهریور ۵۹ طی مصاحبه ای با سرپرست اداره کل حفاظت... فارس ایشان در رابطه با صنایع آلوده کننده، شهر شیراز متذکر می شوند "... از جمله مشکلات موجود که باعث آلودگی در سطح شهر شیراز شده، رودخانه، جنگ مرکز شهر می باشد که به سبب فاضلابهای تصفیه نشده و واحدهای صنعتی و تولیدی و بیمارستانی و همچنین نخلستان فاضلابهای سارل هموار در آن، این رودخانه بصورت یک کانال فاضلاب در شهر شیراز در آمده" و "... همچنین یکی از صنایع آلوده کننده، هوای شیراز، کارخانه، سیمان است که به کرد و غبار بافی در آسمان شیراز ادامه می دهد" و "... رودخانه، کر به سبب ورود فاضلاب چند واحد صنعتی و تولیدی از جمله مجتمع پتروشیمی و مجتمع گوشت و مقداری بیاب مسزارغ کشاورزی، اغلب همه ساله شاهد مرگ و میر ماهیان فراوانی هستیم". حتما خواننده به این اوضاع دچار میشود که جناب سرپرست راه و جل های ریادی را در این رابطه آزمایش کرده اند و مثلا هنوز مشمول تحقیق و بررسی پیرامون این مسئله هستند که از مرگ و میر ماهیان که حشرات خود را حایان آنها می دانند، جلوگیری کنند، ولی جناب آقای "ده بزرگ" (سرپرست اداره کل... فارس) در دنباله می فرایند "سبب وضعیت کنونی سببک و کمبود نیازمندیهای کشور، فعلا" نه می توانیم و نه بملاح می باشد که مانع کار و فعالیت این واحدها بشویم" واقعا که چه رهنمود زی قیمتی! این آقایان جداگانه هستند. استان که می فرمایند "فعلا" بملاح نیست مانع کار و فعالیت این واحدها بشویم". اکنون به این نتیجه رسیدیم که ایشان سرپرست اداره کل... "حفاظت محیط زیست استان فارس" به همین شکل بدون اینکه به ترکیب آلودگی محیط زیست و... دست بزنند، می مانند و همانطور که در سخنان گوهریار خود فرموده اند: علی رغم اینکه هوای آلوده "... برای سلامتی شهروندان شیرازی مضر است" و آلودگی آب باعث "... مرگ و میر ماهیان فراوانی ... می شود محیط زیست باید همین گونه باقی بماند زیرا که "فعلا" بملاح نیست مانع از کار و فعالیت این واحدها بشویم... آری! تنها مسئله ای که برای حضرات ارزش ندارد "محیط زیست" است. اما جناب "سرپرست اداره کل" حفاظت محیط زیست ایران" سخنان سودمند خود را به پیشوا ختم نکرده و راجع به "حفظ جنگل" هم مطالبی را مطرح می سازند که: "حفاظت از جنگلها باید با برنامه ریزی توأم باشد و از جمله این برنامه ریزی، برنامه ریزی برای سوخت رسانی به روستاهاست. علت را هم در این می دانند که "... اهالی روستاهای ما وقتی نتوانند از سوخت کار و نفت استفاده کنند الزاما" مجبورند برای سوخت از جنگل استفاده کنند و ایشان معتقدند که اگر اینکار بعضی سوخت رسانی انجام شود، ۹۵٪ از سوخت جنگل از میان خواهد رفت. اما مطلب دیگری در این صفحه خط نوحه می کند از فرار "... بموجب بخشنامه ای صادره از سوی "سازمان حفاظت... ۲۱۴ نفر جنگلستان و ۲ نفر کارمند دسترسی سرچنگلکاری فارس به "اداره" کل... فارس" انتقال یافته اند و... یادآور می شود که سارل حفاظتی جنگلها و مراغ با اتفاق ما، مورین محیط زیست مشترکا" وظیفه حفاظت از طبیعت را انجام خواهند داد. بلی این برنامه ریزی است که "سازمان حفاظت محیط زیست" برای اهالی طراحی کرده است که پعدا" جنبه، "مثبت" این برنامه را نشان خواهیم داد. واقعا که خیلی به امر "حفاظت" قبیه در صفحه ۱۶

تهران روز یکشنبه سوم خرداد، دانش آموزان جنبش ۱۹ بهمن تهران، در رابطه با سالروز شهادت رفقای کبیر امیرویز بویان، پیرو ندیری و مادی نژاد مراسمی در محل دکه خیابان مصدق تقاطع خیابان فاطمی برپا داشتند.

طی این مراسم سرود خوانده شد و سخن های رفقای شهید درمعرض دید مردم قرار گرفت و سپس مثنی در همین رابطه برای مردم خوانده شد. این مراسم با استقبال مردم رهگذر مواج گشت. قسمتی از اعلامیه شرح زیر است:

"... ما خاطره رفقا را در زمانی کرامی میداریم که از طرفی ارکانیای سرکوب حاکمیت وابسته به امپریالیسم جبری اسلامی یعنی ارتش و پاسداران، دست به یورش وحشیانه و همه جانبه بر علیه خلقهای فیرمان ایران بخصوص خلق دلسر کرد زده اند و از طرف دیگر هزینه های جنگ غیر عادلانه ایران و عراق که بر اساس نقشه های امپریالیسم طرح ریزی شده، کمر زحمتکشان میهنمان را خرد کرده است و در این میان به "توده های" خود فروخته و "اکثریت های" خائن با اتخاذ شیوه های گریختگی و چاپلوسی در مقابل حاکمیت مدخلی و به نمایش درآوردن این شیوه، سعی در منحرف کردن مبارزات مردم ما از سمت اصلی خود داشتند و تلاش میبردند تا این مبارزات را در چهارچوب مبارزات به اصطلاح قانونی محصور نگه دارند..."

دانش آموزان شجاع ۱۹ بهمن تهران بار دیگر به فالانژها نشان دادند که حمله آنها را نه با دفاع بلکه با حمله پاسخ خواهند داد. جریان حوادث چند روزه که در یکی از دکه های فروش نشریات جریکهای فدائی خلق ایران اتفاق افتاد از این قرار است:

روز پنجم ۲۱ اردیبهشت دستهای از اوباشان به دکه واقع در تقاطع خیابان مصدق و فاطمی حمله کردند اما این دست از دانش آموزان کتک مغفلی خوردند. متعاقب این جریان حملات روزهای شنبه و یکشنبه هم با مقاومت و حمله متقابل دانش آموزان ۱۹ بهمن مواج گشت که در این جریانات هم، فالانژها کتک خورده، فرار را بر قرار ترجیح دادند. تا اینکه در روز دوشنبه ۴ خرداد اوباشان در حدود ۲۰۰ نفر از سپاهتشی هایشان را بسیج و غارتگران به دکه حمله میکنند. در اینجا نیز

بسیه در صفحه ۱۲

زحمتکشان ما خوب بخاطر دارند که چگونه هم
 جناح بنی صدر و هم جناح حزب
 جمهوری اسلامی برسوگشتار و سرکوب
 خلق رزمندگردد و به توافق رسیدند.
 آنها هیچگاه در ماهیت سرکوب اختلاف نظر
 ندارند، بلکه در شیوه سرکوب است که اختلاف
 سلیقه دارند.

مرد برفریکاران و دغلفکاران
 پیش بسوی سازماندهی مسلح توددها

هواداران سرکوب در ایران - اردیبهشت

گزارشی از شرکت ملی حفاری ایران - اهواز

۶۰/۲/۲ - کارگران حفاری مستقر در ستاد مسجد سلیمان برای اطلاع از پیام انجمن اسلامی سنی شرکت در نماز جماعت و اجتماع سخنرانی "شماسی" (مدیر عامل شرکت ملی حفاری) به مرکز شرکت واقع در اهواز (شرکت سولیمان سابق) رفتند. بی‌ار اتمام نماز که تعداد زیادی از کارگران با توجه به شناختی که از ماهیت انجمن اسلامی داشتند در آن شرکت نکردند "شماسی" سخنرانی خود را آغاز کرد و در ضمن آن توراها را مسئول ناپسامانی های شرکت دانست و گفت: "از آنجائی که صنعت حفاری صنعت مادر است به ثوراحتیاج ندارد و باید هیئت وزیران آنرا تصویب کنند". و در ادامه، کارگران را تهدید کرد که چنانچه عملیات حفاری را شروع نکنند حقوق آنها قطع خواهد شد (با توجه باینکه جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق باعث راکد ماندن عملیات حفاری می باشد و تعدادی از دکلها در منطقه دهلران در مرز ایران و عراق در منطقه جنگی هستند). کارگران به این امر اعتراض کردند و ایشان در دنباله فرمودند که فداانقلاب در میان کارگرانی که در اینجا جمع شده اند نفوذ کرده و دست به تحریک میزند و بالاخره اعتراضات مکرر باعث تسریک میکروفون توسط "شماسی" گردید و با اکراره گفت که خود شما بیاید حرف بزنید! سپس چندین نفر از کارگران به ترتیب ضمن طرح سوالانی راجع به مسائل شرکت و برشمردن مشکلات شرکت، سخنان "مدیر عامل" را محکوم کرده و مسئول ناپسامانی ها را هیئت مدیره و مدیر عامل دانستند. یکی از کارگران به مساعدهای به مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان برای کارمندان اطراف مدیر عامل و هیئت مدیره اعتراض کرد و گفت: "چرا به دیگر کارگران بخصوس کارگران جنگ زده و تهرستانی که در عملیات حفاری کار می کنند این چنین مساعدهای پرداخت نمی شود؟".

توضیح اینکه کارگران بصورت علی الحساب حقوق میگیرند. یکی از اعضای انجمن اسلامی بلافاصله گفت که "شماسی" می خواهد صحبت کند و "شماسی" از پشت میکروفون گفت که: "چون دولت بولی ندارد و شرایط جنگی است مقدور به این نخواهد بود که بولی به کسی بدهد". و ادامه سخنانش را با مسائل بی اهمیت گذراند که با اعتراض و هجوم کارگران بطرف وی مواجه گردید و از فرط خسرس در مقابل خشم کارگران پا به فرار گذارده و شرکت را ترک نمود. در روز بعد که روز مساعده بسود، هیئت مدیره و مدیرعامل تهدید نظر کردند.

توضیح اینکه انجمن اسلامی سخنان کارگران را ضبط کرده بود تا بدقول خودشان آنها را شناسائی کنند.

***** * * * * *

رفقای کارگر هوادار چریکهای فدائی خلق ایران در مسجد سلیمان به مناسبت بزرگداشت اول ماه مه اعلامیه ای داده اند که قسمتهائی از آن در زیر می آید:

"... ما کارگران در تمامی دنیا یک دشمن مشترک داریم که سرمایه دارانند و در هر نقطه ای که بسر می بریم با هم برادر و هم سرنوشت هستیم و ما باید مرزهای کنوری را که بین ما فاصله می اندازند از میان برداریم و بدانیم که تنها یک میهن وجود دارد و آن متعلق به همه ماست و این مرزبندی کنوری ساخته استمارگران است.

دوستان کارگر! امسال جشن این روز بزرگ را در شرایطی برگزار می کنیم که بیش از ۲ میلیون بیکار در سراسر ایران وجود دارد و روز بروز سر تعداد آنها افزوده می شود و حکام جمهوری اسلامی نسبت به وضعشان بی تفاوت هستند و هر حرکتی را بدنوان محبت با "انقلاب" تلقی می کنند. همانطور که اطلاع دارید بسیاری از کارگران شهرمان مسجد سلیمان بعلت نبودن کار با توجه به هزینه سه کمترین زندگی مجبور به روی آوردن به نطفه های کاذب از جمله دکه داری که طی ماههای گذشته حاکمیت جمهوری اسلامی توسط یکی از ارگانهای سرکوبش (سیاه پاسداران) دکه های بسیاری را جمع آوری کرده و عدهای را مورد ضرب و شتم قرار داده...".

رفقای کارگر! امروز بار اس رسالت بر دوش ماست که با مبارزه و فشار انقلابی بر حکام وابسته ایران و عراق و نیز حمایت از فرزندان انقلابی خلق در جهت سرنگونی حکومتهای وابسته، دو کشور بکوشیم. کارگران مبارز بکوشیم تا جنگ ارتجاعی دولتهای وابسته به امپریالیسم ایران و عراق را به جنگ عادلانه سرغیبه حافظین سیستم سرمایه داری وابسته تبدیل کنیم. و این مهم تنها مستلزم اتحاد، همبستگی و یکپارچگی کارگران و انقلابسوں هر دو کشور است."

مستحکم باد پیوند کارگران با چریکهای فدائی خلق ایران

نظری برجیت سازی به شهر *

این کارخانه در سال ۱۳۲۰ بوسلک، دولت آلمان غربی در ایران ساخته شد و دارای ۱۷۰۰ نفر کارگر است که در سه شیفت کار می کنند. قبل از قیام ۲۲ بهمن کارگران بخاطر وضع بد حقوق و مزایا در سال ۶۶ اولین و بزرگترین اعتصاب را کردند که ۵۶ روز طول کشید، و سرانجام بعد از قیام ۲۲ بهمن کارگران به سرکارهای خود بازگشتند. لازم به توضیح است که اوایل بعد از قیام مقدار بارجدای که در ۲۴ ساعت در این کارخانه تولید میشد، ۹۰۰۰۰ متر بود، بعد از مدتی این مقدار به ۶۰۰۰۰ متر رسید و هم اکنون بین ۳۰ تا ۴۰ هزار متر تولید میشود. این کم کاری بخاطر فشار بی حد هزینه های زندگی و همچنین بی بردن کارگران به ماهیت رژیم و استبداد امپریالیسم و انجمن های اسلامی و مدیران وابستدای همچون مهندس شرف از عوامل رژیم گذشته (شهردار سابق به شهر) می باشد.


انجمن های اسلامی، این گانهای توطئه علیه کارگران و زحمتکشان تاکنون چندین تن از کارگران مبارز و انقلابی را که اعتصابات کارگران را در رژیم گذشته رهبری و سازماندهی میکردند بدیهانه، بوج ساواکی و کم کاری از کارخانه اخراج کردند.

همچنین تعداد ۸۰۰ کارگر بازنشسته شدند که بر طبق طبقه بندی، آنها باید سالی ۱۵ روز مقدار پولی که نسبت به کار آنها بایستی داده میشد یعنی بین هشتاد تا صد هزار تومان و چون مدیر عامل از دادن این پول خودداری کرد، توسط کارگران به گروگان گرفته شد و آنها مجبور شدند مبلغ ۱۶۰۰۰۰۰ ریال را در سه نوبت به کارگران بپردازند که نوبت اول ۸۰۰۰۰۰ ریال و نوبت دوم ۴۰۰۰۰۰ ریال به آنها پرداخت کردند ولی بقیه پول را هنوز نپرداخته اند.

توکلی نماینده، دروغین مردم به شهر طی یک سخنرانی در همین کارخانه گفت: " قبلاً به شما باج می دادند و ما نمی دهیم و بخاطر این است که تولید کارخانه پائین آمده است... " و دیگر اینکه " ما به شما (کارگران) سود نخواهیم داد " که کارگران هم با هو و فریاد کردن جواب دندان شکنی به او دادند. بدنبال این مسائل دیگر ماهیت کثیف انجمنهای اسلامی که در دفاع از منافع سرمایه داران وابستد به هر توطئه ای دست زده و کارگران مبارز را به اتهام واسکی به گروه های سیاسی از کار برکنار می کنند، برای مردم مبارز به شهر آشکار شده و نفرت و انزجارشان را نسبت به این ارگانهای توطئه علیه زحمتکشان برانگیخته است.



همانطور که بارها و بارها شاهد بوده ایم عوامل سرسپرده، رژیم منحوس آریامهری، اکنون تفسیر چهره داده اند و زیر پرچم "اسلام" و تحت رهبری "امام و امت" مشغول خیانت به خلق می باشند. آقای کیاشی معاون فعلی منطقه ۱۳ (آموزش و پرورش) نیز یکی از همین سینه جاکان سابق و نوریستی های فعلی است که مورد لطف و عنایت دولت وقت قرار گرفته و نماینده "امام و امت" و پیش نماز می باشد. سند زیر گویای ماهیت این مرد خود فروخته می باشد.



وزارت آموزش و پرورش
دفتر کل آموزش و پرورش تهران

شماره پرونده: ۱۳۱۲

تاریخ: ۱۳۶۱

موضوع: ...

محل خدمت: ...

محل سکونت: ...

بقیه از صفحه ۱۰

رفتای دانش آموز به مقاومت و مقابله می -
پردازند که طی آن فالانژها به تن از دانش -
آوزان ۱۹ بهمن را ضرب چاقو محسوس -
میکنند.

این نامه آقای کیاشی، بهرمانند در باره اعتراضات و اعتراضات مردمی علیه رژیم پهلوی و رژیم امپریالیسم است. این نامه در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۱ در تهران به دست آمده است. این نامه در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۱ در تهران به دست آمده است.

با خون تو صیقل میدهیم

خنجر انتقام را!



در یک پورش شبانه سه کی از خانه های نسیمی چریکهای فدائی خلق، پاسداران مزدور موفقی شدند که چریک فدائی خلق، رفیق اسماعیل هادیان را دستگیر کنند. قریب ۲ پاسدار در این حمله شرکت داشتند. آنها تمام وسایل خانه را به بیجا بردند. در این حمله، چند قبضه اسلحه و یک دستگاه ماشین استنسیل نیز بدست پاسداران افتاد.

رفیق اسماعیل هادیان بلافاصله پس از دستگیری، زیر شکنجه های سخت قرار گرفت و سرانجام بدون آنکه کلامی بر لب آورد، در زیر شکنجه های وحشیانه مزدوران امپریالیسم به شهادت رسید. رژیم ادعا میکند که چریک فدائی خلق، رفیق شهید اسماعیل هادیان در طول زندان دست به خودکشی زده است، اما آثار شکنجه بر روی بدن رفیق، آشکارتر از آنست که رژیم مزدور جمهوری اسلامی بتواند حقیقت را پنهان کند.

رفیق شهید اسماعیل هادیان در زمان شاه نیز رنج و مرارت شکنجه و زندان را چشیده بود. او پس از رهائی از زندانهای شاه، با عزمی راسختر به مبارزه ادامه داد: فدائیی وار زندگی کرد و فدائی وار به استقبال مرگ رفت؛ با گامهای استوار و محکم از دروازه زندگی گذشت و در قلمرو مرگ به جاودانگی رسید. چریک فدائی خلق اسماعیل هادیان، فدائی وار در مقابل دشمنان خلق تاب آورد و سرفراز از آتش کینه، نفرت انگیز مزدوران گذشت و جان پاک خویش را نثار خلق ستمدیده خود نمود.

دیروز ساراوک با جنایات هولناک خود قلب خلق ما را پر از اندوه و نفرت ساخت، بیرحمی و قساوت رژیم شاه، آتش خشم توده ها را شعله ورتر میکرد و امروز پاسداران وحشی با جنایات آشکار خود، نشان میدهند که هزاران بار از اسلاف خود بیرحم ترند. جمهوری اسلامی میکوشد تا با فریب و نیرنگ عقاب را از چشم توده ها بپوشاند، اما هرروزه دهها واقعه، جنایات بی حساب او را برملا میکند. شاه با گشتار فرزندان راستین خلق ما، قلوب بسیاری از مادران و پسران این مرزوبوم را بخون نشاند؛ و امروز جمهوری اسلامی، مدبار بدترازان میکند که سالهای سال شاه خائن دست بکار آن بود. هرروز از گوشه و کنار این مرزوبوم خبر از کشته شدن عناصر مبارز و انقلابی میرسد. زندانها که میبایست از عناصر خائن و خودفروخته پر میشد، باردیگر از انبوه مبارزین انباشته گشته است. چرا؟ برای اینکه همه گردانندگان جمهوری اسلامی، عناصر صوری خودفروخته و مزدورند و جز در جهت منافع اربابان ضد خلقی خود کار نمیکند؛ به بهانه های گوناگون فرزندان بیگناه مردم، دستداران زحمتکش را سلاخی میکنند. اگر کمونیست باشند، بعنوان کافر و فدائقلاب، و اگر مسلمان مبارز باشند، تحت نام منافق، آنها را بیزیر تیغ میبرند. و اینجنین در میهن ما حمام خون برآه انداخته اند. جمهوری اسلامی که در دروغ و کوشی و قحاح دست همه هم پالکی هایش را از پشت بسته است، کوشش میکند تا با واژگونه طلسمه دادن حقایق و واقعیات، مردم ما را فریب دهد.

اما دیگر گذشت؛ امروز دیگر اکثر مردم ما چهره، واقعی اینان را شناخته اند؛ اکثر مردم ما پاسداران وحشی را شناخته اند و آنچنان خشم و نفرتی در دل خود نسبت به آنها احساس میکنند که بی حساب است؛ مردم ما دیگر میدانند که جمهوری اسلامی یعنی دروغ، از راه س تا پائین، همه دروغ میگویند؛ از راه س تا پائین، همه در فکر پرکردن جیب های خود هستند و از راه س تا پائین، هیچکس فکر این مردم ستمدیده نیست. جنایات شاه در ایفای وحشتناکتر و وسیعتر تکرار میشود.

رفناش برخواهد خاست! او سدانست که آتش انتقام ما دامن دشمنان را خواهد گرفت. او سدانست
 که چریکها سرانجام انتقام خواهد گرفت. و اکنون ما با خون او صیقل میدهیم خنجر انتقام را!

سایبان سه بیروزی راهبان

چریکهای فدائی خلق ایران ۶۰ / ۳ / ۱۸

شماره ۶۲



شکجه یک امر ذاتی حاکمیت های امپریالیستی در کشورهای زیر سلطه

شکجه برای اقرار گرفتن و سرکوب انقلابیون در هند، بکشویه، عادی و معمول در تمامی کشور-
 های تحت سلطه امپریالیسم است. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که در شکجه و ادبیت
 و آزار مبارزین و انقلابیون کمونیست روی رژیم سفاک پهلوی را سفید کرده است. جنیدی قبل هیئتی
 برای بررسی مسئله شکجه روانه زندانها کرد. اما نه برای روشن کردن حقایق هولناک شکجه های
 قرون وسطایی که در زندانها، علیه فرزندان خلق بکار میبردند، بلکه برای تریبون گذاردن بر روی
 این اعمال جنایتکارانه شان.

دیگر چه کسی است نداند که ترور و شکجه بعنوان یک امر عادی و روزمره بر علیه انقلابیون
 این مرز و بوم بکار گرفته نمیشود. آنها بیکرهای به خون تشیده، رهبران خلق ترکمن رفقا: توماج،
 مخوم، جرجانی، واحدی، گویای این جنایت هولناک نیست. آنها شکجه و ترور رفیق کارگر-
 "هبان" و هزاران هزار نمونه زنده، دیگر نظیر اعدام های ساختگی، داغ کردن و شلاق زدن، تشیت
 رسوایی این رژیم وابسته به امپریالیسم را به صدا درنیاورده است!

گندیدگی و فساد آنچنان سراپای رژیم را فرا گرفته که با کمال بیشرمی و بیست فطرتی تجاوز
 به انقلابیون و خرد کردن شخصیت آنها را دیگر جزو شکجه بحساب نمی آورند! در جایی تجاوز به بسک
 جوان را و آنهم به عنوان اولین نمونه از شکجه نام میبرند که هیچ ربطی به شکجه ندارد!
 (روزنامه جمهوری اسلامی - شماره ۵۳۹ - ۳۰ فروردین). روش اعمال شکجه آنچنان دامنه گسترده ای
 در سیاهالیهای رژیم مدخلتی رواج دارد که حتی دست اندر کاران فاسد این حاکمیت در لایزالای حرفهای
 مردم فریبشان بدان اقرار می کنند "در زندانهای جمهوری اسلامی شکجه نیست و اگر هم بوده که
 من از آن اطلاعی ندارم و مربوط بد قبل است" (انقلاب اسلامی - شماره ۵۱۲ - ۲۴ فروردین ۶۰). بیسی
 حساب بشارنی سوچی بوجود شکجه در قبل اعتبار میکند. جای دیگر منتظری در معاحبه مطبوعاتی
 میگوید "نظام حاکم بر بازجوئی و بازپرسی دادگاهها و زندانهای ما به هیچوجه مبتنی به شکجه
 نیست اگر در موارد معدودی نیز دیده شده بطور غیرمسئول و استثنائی از سوی افراد غیرمسئول
 بوده است - شکجه در زندانهای ما دیده نشده فقط تعداد معدودی ادبیت و آزار که جنبه شخصی
 داشته" (جمهوری اسلامی - شماره ۵۳۹ - ۳۰ فروردین ۶۰).

سکا رگیری این روشهای مدخلتی هرچه بیشتر ما هیت وابسته، حاکمیت مدخلتی جمهوری اسلامی را بنمایش
 میگذارد، شکجه و تجاوز به حقوق خلقها روش تمامی کشورهای وابسته به امپریالیسم است. بعد از
 این هم باز شکجه و سرکوب در زندانهای رژیم مدخلتی جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت و
 میدانهای تیرباران با خون مبارزین و انقلابیون کمونیست کلگون خواهد شد و حاکمیت امپریالیستی
 برای حفظ حیات خیانت بار خویش خلقها را وحشیانه تر از پیش بخون خواهد کشید و بهمراهش شادان
 سیاسی همچون اکثریت و حزب نموده، خائن که با سکوت خائسانه شان در برابر این جنایت ها و بسا
 وارونه جلوه دادن آن، سینه خلق را نشانه رفته اند هرچه بیشتر اشاء خواهد شد. حرکت تاریخ
 لحظه ای باز نخواهد ایستاد و خلق تنها زمانی راه خود را از میان آتش و خون سوی آزادی باز
 خواهد یافت که مسلحانه تحت رهبری بیولتاریا بیا خیزد.

مرگ بر امپریالیسم و سنگهای زنجیریش

در حالیکه عوامل حکومت وابسته، جمهوری اسلامی با سوی و کربانان بیروزیهای خود در حبههای جنگ دم برسند و بهیچانه، ایگه آغازگر جنگ نبودهاند هر روزه حملهای جدیدتری برای اداسه، جنگ مستراند. بهایر نرسید بحث میزان خریدن وسایل و تجهیزات "لازم" جنگ، میلیونها دلار بول را به عیارایان غارتگر خودسرازیر میکنند و همانطوریکه میدانند هزینه آن را از طریق ایجاد گزانی و تسورم و از طریق افزایش مالیاتها و و بالاخره فروش نفت به اربابان امیربالیست، تا بهمین میکنند. لندا چیزی که از این جنگ خاماسوز صیب خلق گشته است، تحلل سارتهای مالی و حاشی از جمله درسدی، بیماری، گرسنگی و.... میباشد.

بهدا وسیله مختلفه به کبه وزارتخانه ها و موسسات سازمانهای دولتی بواسطه به سرنگد این راه به مگرده که به واحد لدریخ دستور فرزند از اداوه خدمت بطرف کارکنان افراد مستخدمین مان -- ۱۳۵۶ که تهیه بوده و تکلیف خدمتی خود را با اداره طبقه عمومی و ارتش تحسین کرده اند سرداران سید ۵ جمعی برای عدم رضایه سایر افراد اعزامی به جبهه های جنگ ایجاد نمود.

تخت ویر
معدن طی زمانی
روپناه جهت اطلاع و اقدام بحسبیه بهکته تهران و صوبه ارسال مگردود
مدیر کل دفتر ریاست

۱۱۳۴۶/۱۹۵	۴۳۵۵۸/۲۹۴
۵۱/۱۲/۱۳	۵۱/۱۲/۱۱

روپناه

اداره منطقه ۱۶ یعنی جبهه اطلاع جنابجه خدمت طفلی که در آن اداره مشغول بطراحی و شیف اعزام آنها روپناه نموده از اداوه که آنها جلوگوری که تکلیف خدمتی خود را با اداره طبقه عمومی روپناه سازند

صبا القیس حاجری
مر برصه تدبیریه کل پیشهبران و صوبه

روپناه به
کبه واحد های لایحه جبهه اطلاع برستل واحد تریابط و صوبه خود صفا" آنها آور مگرده بر صورت -
عدم روپناه به مختلفه نوع مر فرد نحصا" مسئول موابت بعدی بوده و طبق مختلفه به اداوه
خدمت آنها جلوگوری خواهد شد .

مسئول مسئول
سازمان منطقه ۱۶ پیشه

امر ممکن بود خاطر اربابان را آزرده یارد و باعث دلسدی شان از غلامان عمامه سر و بسا "لیبرال" کرده، دست به نهیدند و ارقام زدند که آنهاش که به حبههای "حق علیه باطل" نمیروند ضدانقلابند و... خلاصه حظ و نشان کشیدند. از جمله جناب رحاشی طی سخنها مهای که به نظرتان خواهد رسید ابلاغ فرموده اند " که از یگارگری و به خدمتگماردن معضی خدمتهای غایب و... خودداری شود". ایشان مایلند که به زور و با نهیدند به از کارسکار کردن و غره برای حبههای "حسی علیه باطل" "داوطلب" دست و پا کنند.

اما دیگر نه نهیدند، نه کشنار و نه فریب کارآشی ندارد و توده های انقلابی حواستار قطع جنگ امیربالیستی میان دو دولت وابسته ایران و عراق هستند.



بقیه ارمعه ۹

اهمیت می دهند. در این بین اگر آن زحمکنان از سرما برسند ماضی ندارد در عوض طبیعت است همانطور که قلا" بحث آن شد حفظ و حراست شده است و اما جبهه "منت" این برنامه ریزی "تکر" در ماهنامه دی ماه شادیم "بوسیلده" ما، سورین محیط ریست فارس : ۶۲ مورد تخلف تولید و محصل دعال هیزم، قطع درختان و شکار حیوانات وحشی کشند و در من ادامه داده اند " ... همچنین ضمن معرفی مختلفین به مراجع قضائی تعداد ۱۱ قیفه سلاح مختلف اخذ و نیز مبلغ ۲۵۷۳۴۴ ریسال باست حرائم از آنان دریافت کرده است". آری ! باست تخلف حربه های کلان دریافت می کنند و کلی بول به عیارایان سرازیر می کنند. سازمان حفاظت محیط زیست یک چنین "نهاده خلقی" است که به دولت سرسبرده، جمهوری اسلامی خدمت میکند. زحمکنان را که از سودن سوخدر فصل زمستان رنج می برند و از موهبت "گار و نفت" محروم هستند اینچنین به بند کشیده و می آزارند.

زحمکنان آگاه مین ما می دانند که سنی اس ارکان و سایر ارتقاها که در خدمت دولست وابسته، جمهوری اسلامی هستند در سرکشد کردن جلاوه خلاصه می شود و من. کوشیم دستا این غارتگران را از منابع طبیعی میهمان کوتاه سازیم و بحق این امر در پرتو جنگی سخت و بی امان بر علیه این اربابان جهاولگر ممکن خواهد بود.

لنگرود

رژیم جمهوری اسلامی که مجری سیاست های امپریالیستی است از آگاهی نوده ها در هراس است زیرا بخوشی میداند که نعله های تانک آگاهی نوده ها و دودمان ستم آنان را درهم خواهد پیچد. بنابراین با استفاده از نیه های آریامهری می خواهد مانع رشد روز افزون مبارزات مردم شود.

مدارس که یکی از مکانهای حساس است، به آئینه، دق رژیم مبدل شده زیرا فرزندان میهنان همراه با آموختن دانش از مبارزه نوده ها، تا شیر می پذیرند و خود را عمل انقلابی در مبارزات نوده ها تا شیر می بینند و بدین خاطر مدام مورد تعرض ضد انقلابی رژیم قرار می گیرند. ولی دانش آموزان بدون توجه به بخشنامه های آریامهری، سرکوب، ترور، ارضاب، همچنان در جهت منافع زحمتکشان گام برمیدارند. بخشنامه، زیر که توسط آموزش و پرورش لنگرود به تمام سطوح آموزشی ارسال شده است، بیانگر وحشت رژیم از این کانون مبارزه است.

طی فرمی که به مدارس ارسال شده، مدیران مدارس خواسته اند بخاطر تفکیک خادم از خائس (نو بخوان نوکر از مبارز) و تقدیر "همکار زحمتکش" و تشبیه "مغرب" (نو بخوان فرب و شتم و قتل انقلابیون "فرورست" ساخت خود را نسبت به عملکرد شش ماهه، سال جاری در مورد ابواب حصی آموزشگاه بطور "محرمانه" گزارش کنید آنهاش که "مثبت و فعال" هستند در قسمت مثبت و آنهاش که به تخریب فکری و با کم کاری مشغولند در قسمت منفی بنویسید تا "تشبیه" لازم بعمل آید.

بله درست از همان نوده های آریامهری، بخشنامه های سری برای شناسایی انجمن مبارز استفاده می شود تا بقول خودشان اینکوه افراد را تشبیه کنند. زهی خیال باطل که انگیز آن بخشنامه های سری، "محرمانه" سابق، توسط آن رشد مبارزه، نوده، از خم نوده، خلق بر علیه سوکران امپریالیست بکاهد این اطلاعیه های آریامهری نیز خواهد توانست.

از اداره آموزش و پرورش لنگرود دریافت شد که در تاریخ ۱۳۰۶/۲/۸ - کارکر ۱۸ ساله ای بعلت اشکالات فنی دستگاه بالابرنده از ارتفاع ۴۰ متری سقوط کرد. این حادثه و دهها حادثه مشابه آن بارهای بار تکرار شده و میشود و مقرر اصلی آن سرمایه دارانی هستند که بخاطر استثمار هر چه بیشتر کارگران آنان را حتی از کمترین امکانات ایمنی کار بی بهره گذاشته اند.

شرکت توسعه راههای ایران - ۶۰/۲/۱ - در این روز گروهی از کارگران مبارز به علت اعتراض به عدم پرداخت حقوق عقب افتاده خود بپیمانکار شرکت فوق را به گروگان گرفتند. در تاریخ ۶۰/۲/۳ شرکت مجبور گردید حقوق عقب افتاده کارگران فوق را بپردازد و جناب پیمانکار را که همچنان بصورت گروگان نزد کارگران مانده بود، آزاد نماید. باشد که این حرکت الهام بخش سایر رفقای کارگر نیز باشد که با اتحاد خود نه تنها چیزی را از دست نخواهند داد بلکه دنیاش را بدست خواهند آورد.

مشبهه ۶۰/۲/۸ - کارکر ۱۸ ساله ای بعلت اشکالات فنی دستگاه بالابرنده از ارتفاع ۴۰ متری سقوط کرد. این حادثه و دهها حادثه مشابه آن بارهای بار تکرار شده و میشود و مقرر اصلی آن سرمایه دارانی هستند که بخاطر استثمار هر چه بیشتر کارگران آنان را حتی از کمترین امکانات ایمنی کار بی بهره گذاشته اند.

صحیح یک خبر - در خیرنامه شماره ۹۹ در بالای صفحه ۱۷ خبری از اصفتیان تحت عنوان "باز هم یک نمونسته" دیگر از وحشگری سپاه پاسداران آمده است. بخشی از این خبر اشتباه بود که بدین ترتیب اصلاح میشود: "... ولی برادر عباسی که حرو دستگیرندگان بوده است بحرم اهانت به حسنی و پاسداران، تحت عنوان قاچاقچی و سمطور آنکه قصد فرار داشته، بعد از آنکه به تعداد زیادی شلاق محکوم شده برندان افکنده میشود...."

شیوه‌های آریامهری

در سرکوب یوسنل انقلابی ارتش

ارتش فدائنی جمهوری اسلامی با ارتش آریامهری ماسی چه پیش از قیام و چه پس از آن عملکردی جز سرکوب خونین خلقهای ایران و منطقه منظور حفظ منافع امپریالیسم نداشتند است. اینک فرماندهان آمریکائی در ادامه سیاست گذشته، مشغول ایجاد اختناق در درون ارتش یعنی سرکوب هرگونه حرکت اعتراضی و پرتسلسل انقلابی منظور حفظ حیات سگین خویش و تحکیم یافت ارتش امپریالیستی می باشند.

اطلاعیه زیر گویای بخشی از این حرکت مذبوحانه بمنظور شناسائی و سرکوب پرتسلسل انقلابی ارتش می باشد.

مجلس شورای اسلامی

اعلام این اطلاعیه در روز شنبه ۱۳۶۰/۱/۲۲
 شماره: ۱۳۶۰/۱/۲۲
 تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۲

این اطلاعیه در روز شنبه ۱۳۶۰/۱/۲۲
 شماره: ۱۳۶۰/۱/۲۲
 تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۲

این اطلاعیه در روز شنبه ۱۳۶۰/۱/۲۲
 شماره: ۱۳۶۰/۱/۲۲
 تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۲

این اطلاعیه در روز شنبه ۱۳۶۰/۱/۲۲
 شماره: ۱۳۶۰/۱/۲۲
 تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۲

بسمه تعالی

خیلی محرمانه

شماره: ۵۰۲/۰۸/۲/۲ ح

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۲

از نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات (مد حفاظت اطلاعات) به گیرنده‌گان مراجعه شود. موضوع دستورالعمل پیشگیری از فعالیت‌های مضره برابر دستورالعمل سماجا ۲

هدف - پیشگیری از هرگونه فعالیت براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران منظور - تشبیه وظایف فرماندهان و رؤسای تعیین رامکان بمنظور شناسائی عوامل مخالف و تشبیه خاطیان اجرا - کلیات (امل ۱۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و بایستد افراد شایسته را به خدمت بپذیرد که با اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشد. با توجه بداینکه مد انقلاب گروههای مخالف تلافی و کوشش دارند با نفاق در ارتش جمهوری اسلامی ایران نطفه‌های براندازی را ایجاد نموده و لطمه عمده‌ای به نظام جمهوری اسلامی کشور وارد آورند. لذا ضروری است فرماندهان یگانها و رؤسای سازمانها با عوامل براندازی مسئولان برخورد نموده قاطعانه اقدام نمایند.

مسئین و عاملین هرگونه اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران اعم از پخش اعلامیه، تخریب گروههای مخالف و کت ظالمه، گروه‌گرایی و کردهائی و شعارنویسی که بمنظور توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران باشد، باید بلافاصله شناسائی و توسط رؤسای و فرماندهان از طریق سلسله مراتب بدادگاه انقلاب ارتش اعلام گردد.

۲ - حفاظت اطلاعات یگانها و قسمتهای مشابه موظفند بر اساس اطلاع از وقوع مواردی از اقدامات فوق ضمن پیشگیری مراتب را ظرف مدت ۱۲ ساعت تلگرافی یا تلفنی شماره ۲۸۴۰۶۰ با رعایت ملاحظات حفاظتی بمدیریت حفاظت اطلاعات نزاجا آگهی نمایند.

۳ - انتظام پیش‌بینی‌های لازم جهت شناسائی عوامل و جمع آوری مدارک و ارجاع بدادگاه در صورت وقوع هر یک از جرائم فوق از طریق سلسله مراتب

۴ - کسب اطلاع و جمع آوری اخبار از حوزه مسئولیت خود از هرگونه فعل و انفعالات مخالف و انعکاس آن بد نزاجا.

خیلی محرمانه

آذربایجان

۶۰/۲/۱۱ - از آنجائی که دست جکومست بر ارتجاعی برای مردم رو شده و دیگر نمی توانست مردم را با ترس و استیصال خود بکشد و فقط قادر است بدینسان، را ضیمائی تعداد اندکسی از خانواده های باستاناران و سایر مردورانشان را که مجموعاً ۲۰۰ نفر هم می شود به حاکمان بکشد دست به حمله سوسیالیستی زدند. این سربازکده در کلاسهای سرگمالاتان اعلام نمرد که در روز بیارده اردیبهشت امتحان میدهد ولیکن در آنس روز آنان را به مسجد شهر بردند و سپس گفتند فعلاً راهیمائی می کنیم و در پایان راهیمائی که جمعیته ۲۰۰ نفر هم می رسد از آنجائی که ضحیک از اعمای مهم سوادآموزی بودیدند، امتحان منکوب ماند و آنان جنگین به خانه های خود بازگشتند و اسبجین بود که رژیم نظاهرات اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را برگزار نمود! زهی سترسی!

ساری

۶۰/۲/۲۲ - یکی از کارمداران راه آهن دولتی ایران سبب آنکه از دادن حقوق قانونی سرباز رده بودت، به رئیس کل حلهور شده و او را با جاقوشی رخمی کرد. در این رابطه انجمن اسلامی کارکنان راه آهن در موضع گیری خود من اطلاعهای مسی بر ابزار سبب آنکه این عمل "فحیح" حاکمان جناب رئیس کل را گرفتند و سلفی حاضر خود را به حبه ارتجاع سان می کند.

تنگابن

۶۰/۲/۷ - هواداران جریکهای فدائی خلق ایران از ساعت ۹/۵ صبح نمایندگانی سه مناسب گرامنداشت روز جهانی کارگر دایر بودند که با استقبال بسیاری از دانش آموزان روبرو کردند. در این نمایندگانه رفقای هوادار علاوه بر نمائندای که به مناسب روز جهانی کارگر تهیه کرده بودند، اعزاز غیرنامه شماره ۵۵ را سرگموسی کرده و اسامی مربوط به اشاکریها را در آنها بکار برده بودند. در طی این نمایندگانه رفقای هوادار سرودهای جریکهای فدائی خلق ایران را بختن نموده و به فروش کسب و شرباب و سوار جریکهای فدائی خلق مبارک کردند.

۶۰/۲/۱۲ - بر اثر ضحیک توب های نیروهای عراقی، چند بچه که مشمول تازی در حسابان بودند و چند نفر مرد و زن مورد آسایش سربازان حمیاره قرار گرفتند. توضیح آنکه مردم شهر فاقد هر نوع بساهاکاه و ریززمین می باشد و در هر خانه حداقل ۱۵ نفر زندگی میکند که اکثر آنرا از آبادان، خرمشهر، اهوار، درفول، شوش، روستاها و شهرکهای منکوب آمده اند.

مسجد سلیمان

۶۰/۲/۸ - عده ای جماع بدست دو جوان سارزی که شربه می فروختند، حمله کردند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. سراسهارا سوار ماشین نموده ندا مردم با جمع حدود دور ماشین مانع بردن آنها شدند. در این اثناء سبب مردوران رژیم ار راه رسد و آنها را سوار ماشین خود نمود لیکن مردم اسرار دور این ماشین جمع شدند. وقتی باستاناران و مسی را حین دیدند از سان حسمد قرار کرده و آن دو س را سر بردند.

هم میهنان عزیز! جریکهای فدائی خلق ایران برای پیشبرد امر مبارزه ضد استبداد به کمک مالی شما نیازمندند. این کمکها را بوسائل مقتضی و از طریق مطبعتی که خود می سازد در اختیار ما قرار دهید.

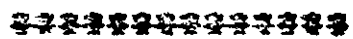
آنها بلك خلق مسلح است كه مي توانند آزاد زندگي كنند!

کتابهای فدائی و سید
بمدر عباس

شماره	شماره	شماره
۲۱۲	۸۸	۱۰۰۲
۱۰۶	ک	۲۰۰۱
۲۵۲	س	۲۰۰۲
۱۳۰	م	۱۵۰۴
۶۲	ن	۳ دار
۱۰۰	د	۱۰۰۵
۸۰		۱۰۰۶
۶۰		۲۰۰۷
۲۵۰	ط	۱۰۰۶
۲۱۶	م	۲۰۰۲
۳۲۴	ش	۱۰۰۲
۶۰	ح	ک ۲۸۰۰
۶۰۱		ر ۱۹۱۰
۵۵۰		۲۰۰۲
۶۲		۱۰۰۶
۷۰	ص	ر - ج
۶۰		۲۰۹۹
۵۳		
۷۰	ص	
۵۱		

کنون وقت است رجا خیزیم
کنون وقت است دستار هم بگیریم و
بدها خیزیم
کنون وقت است رگبار مسلطهایمان
بیه آسان تیره لب را
آفتاب وار برنوا نشان شود
و در ظلمت شب
توده ها را را ضمن دریاها شود
و سیلاب انقلاب سرخ بر گنج زمین های مردور
روان شود
کنون وقت است که
نلسبهای جریب دامن
با سرب داغ
با سرب آشن کینه آشنا شود
خون سرخ جان پرگمان انقلاب خلق
دریا شود
محضری زخم و کینه توده ها بپا شود
و رزم سرخ مسلح ما کشته ها را جویا شود
کنون وقت است ای رزم آور انقلاب
کنون وقت است رجا خیزیم
کنون وقت است دستار هم بگیریم و
بدها خیزیم

جمعه ۶۰/۲/۱۸



صفحه ۳

نیروی می تواند مدعی پیشاهنگی باشد که بتواند یک پاسخ مشخص و روشن به این سئوال بدهد: چگونه باید قدرت دولتی امپریالیستی را سرنگون ساخت، چگونه بایدستی ارتش، این عامل ابقاء سلطه امپریالیستی را درهم شکست؟ هر نیروی مدعی مارکسیسم - لنینیسم اگر نتواند باین مسئله پاسخ مشخص دهد، در عمل به مارش فیکتاتی، رفرمیسم، تسلیم طلبی کشیده خواهد شد. "اقلیت" در برابر این واقعیت ناتوان است و از آنجاکه میخواهد بزندگی اشکلی سیاسی خود ادامه دهد، سعی میکند مرز بین ضد خلق و ضد خلق، مرز بین انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش سازد، ذهن توده ها را فاسد کند و زدوبندهای سیاسی یا آنطور که خود می نامند "فعالیت سیاسی - انقلابی" را، بهمنسوان مبارزه، سیاسی - کمونیستی جا بزند، تا زمانی بیشتر به حیات خود ادامه دهد.

"اقلیت" از حاکمیت امپریالیستی میترسد، او بچوس میداند که درگیر شدن باین حاکمیت به فداکاری و از خودگذشتگی، آگاهی، بگیری و خلاصه همه آنچه که یک چریک فدائی خلق باید داشته باشد، نیازمند است.

این درست است که "اقلیت" این نام را بفرخود گذاشته است اما فاقد محتوای واقعی آن میباشد. "اقلیت" این نام را بر خود گذاشته به باین خاطر که راه پرافتخار آنها را دنبال کند، بلکه از سوابق مبارزاتی آن برای امیال سیاسی حقیر خود استفاده کند.

"اقلیت" نقشی دلال سیاسی را بازی میکند، او و دیگر نیروهای مشابه او، که مدعی مارکسیسم - لنینیسم بوده و داعیه رهبری مبارزات خلق و در راه آن طبقه کارگر را دارند، با این شیوه ها، مبارزات خلق را به دور باطل کشانده اند.

ادامه دارد

بحث آزاد صد او سپیای جمهور می
 اسلامی چهاقی است بر سر توده ها و
 فزاده های است که هراره گردن نبروهای
 خائنی چون اکثریت و حزب توده و...
 و خواهد فشرد ز پیرا ما شاهدیم که این
 بحثها جز فریب و تحقیق توده ها و
 سرکوب افکار آزاد پیخوامانه هدف
 دیگری ندارد پس ؛
 مرگ بر فریبکاران و سرکوبگران!

سیمان
 - ۲۲ اسکنه ۲۰ بهشت ۱۳۰
 - ۲۰ رصا ۱۴۰۱ - شماره ۱۱۲۸۲

بحث آزاد تلویزیونی
 بهشتی، پیمان، سرورش
 مصباح، کیا نوری،
 طبری و فرخ نگهدار

